

ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری
صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سردبیر: دانیال معمار
معاون ضمايم: پروانه بهرام نژاد
دبیر ویژه نامه: زکيه سعیدی
تحریریه: فرزین شیرزادی، سروش جنابی، سمیرا باباجانیور
ثریاروزبهانی، حسن حسن زاده، شهره کیانوش راد، آرش
سلیمی فر، حمید رضار سولی، بهاره خسروی، فاطمه لیا،
صفورا صادقی، مهسا حایان و مقداد مهربانی

واحد فنی:

مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی
طراح گرافیک و صفحه آرایی: حمید یزدانی، سعید غفوری و امید روشنگر
عکس: گروه عکس همشهری، ویرایش عکس: کامییز نویدی
ویراستاران: سمانه مومن، هاله جوانفر، اعظم آجور بندیان

صندوق پستی:
۱۹۳۹۵۵۴۴۶
تلفن: ۲۳۰۲۳۴۶۴
نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

چاپ: همشهری
توزیع و اشتراک:
موسسه نشر گستر امروز نوین
پدیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰



گروه ضمايم همشهری ناشر نشریات:

دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،
تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها،
سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهرنگار،
سرخ و محله

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر ۴، نرسیده به پارک وی،
کوچه شهید فریبتی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

بهترین قصه‌های تاریخی تهران
جایزه می‌گیرند

صفحات «روایت تهران» که پیش روی شماست، به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نمداران، خیابان‌ها و گذرها، واقعه‌های تأثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق دارد؛ با عکس‌های بازمانده از خاطرات تهران در پیرو قصه‌ها و ماجراهای پس‌پشت این عکس‌ها، شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشهری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما ارسال می‌کنید با نام خودتان منتشر و به شما «همشهریان همراه» هدیه‌ای تقدیم می‌کند.
نشانی و شماره تماس ما: ۲۲۰۲۳۴۵۵-۴۶۴ mahaleh@hamshahri.org

نخستین بانوی شهید شمیران



نام: شهیده شوکت مراد
موقعیت: محله حصاربوعلی

انقلابی محله‌اش شد. حمیده ضماندفر، دخترش از فعالیت‌های انقلابی مادر در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب می‌گوید: «مادرم در روزهای پیروزی انقلاب پیشرو زنان محله بود. وقتی مجروحان را برای درمان به بیمارستان شهدای تجریش می‌بردند، مادرم حلقه‌ای از زنان انقلابی تشکیل داده بود که همگی برای امدادسانی به درمان مجروحان با بیمارستان همکاری می‌کردند. آنها ملحفه مورد نیاز بیمارستان را تأمین می‌کردند و برای نگهداری بیکر شهدا نیز از خانه‌ها بیخ جمع‌آوری می‌کردند و به بیمارستان می‌بردند. او در روزهایی که خفقان شدید بر شهر حاکم بود، شجاعانه خانه به خانه می‌رفت تا بیخ و داروهای مورد نیاز بیمارستان را تأمین کند. وقتی مجروحان نیاز به خون داشتند، پیش قدم بود و در محله نیز اطلاع‌رسانی می‌کرد. پخش اعلامیه‌های امام (ره) و روشنگری درباره جنایت‌های رژیم طاغوت هم برنامه ثابت آنها در ماه‌های پیروزی انقلاب بود.» ضماندفر از روز شهادت مادرش می‌گوید: «مادرم صبح روز بیست و یکم بهمن، وقتی شنیدم سربازان مجروح نیروی هوایی را که به مردم پیوسته بودند برای مداوا به بیمارستان تجریش آورده‌اند، برای اهدای خون و بردن ملحفه تمیز به بیمارستان رفته بود. آنها وقتی شنیدند امام خمینی (ره) فرمان لغو حکومت نظامی را صادر کرده، همراه با دیگر بانوان، پسرعمو و برادرم برای تظاهرات به خیابان‌های محله رفتند. ساعت ۱۰ و نیم شب بود که گاردی‌ها در خیابان مهماندوست (شهید سعیدی کنونی) به سوی جمعیت تیراندازی کردند. وقتی تیر به میج پای برادرم اصابت کرد، به گوشه‌ای از خیابان رفت تا مادرم نبیند از پای عباس خون می‌رود، غافل از اینکه چند کوچه آن‌سوتر تیر به قلب مادرم اصابت کرده و به شهادت رسیده بود.»

دفن پیکر بانوی شهیده در بیمارستان



نام: شهیده عزت‌الملوک کاووسی
موقعیت: بیمارستان امام خمینی

رسید که در اثر حمله گارد شاهنشاهی، عده‌ای از مردم مجروح شده‌اند. آخرین تصویری که از شهیده کاووسی در ذهن مانده است، ساعت ۹ شب و قبل از شهادت اوست و در حال کمک به مجروحانی که با آمبولانس به بیمارستان منتقل شده بودند. یادم هست که پزشکان خودشان را به خیابان دماوند می‌رساندند که سریع‌تر مراحل انتقال و مداوای مجروحان را انجام دهند. عزت‌الملوک کاووسی، دانشجوی پزشکی، ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ و حین امدادسانی به نوجوانی که مجروح شده بود، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت نایل شد. اما چگونه این دانشجو در بیمارستان به خاک سپرده شد؟ ماجرا از این قرار بود که جمعی از دوستانش با کسب اجازه از پدر شهیده کاووسی، تصمیم می‌گیرند تا او را در بیمارستان دفن کنند. پیکر او را به این بهانه که می‌خواهند به شهرستان منتقل کنند، از سردخانه بهشت زهرا (س) تحویل می‌گیرند و روبروی ساختمان مرکز تصویربرداری کنونی که قبلاً زمین هلی کوپتر بود، دفن می‌کنند. بر سر سنگ مزار او حک شده است که این شهیده با مجوز امام خمینی (ره) در بیمارستان دفن شده است. مرضیه وحید دستجردی، از دوستان شهیده کاووسی در بخشی از خاطراتش می‌گوید: «کاووسی چند روز قبل از شهادتش سخت درگیر کم‌کسانی به مردم بود. در یکی از بیمارستان‌های تهران او را رنجور و خسته دیدم و گفتم: چه می‌کنی؟ گفتم: مجروح خیلی زیاد بود. پرسیدم: تا صبح بیدار بودی؟ جواب نداد. گفتم: کار مجروحان چه شد؟ گفتم: همه را پانسمان کردم. گفتم: بعد از آن کجا بودی و چه کردی؟ جوابی نیامد. ظاهراً بعد از آن به آشپزخانه بیمارستان می‌رود و ظرف‌ها را می‌شوید، زمین را تمیز می‌کنند...» زندگینامه شهیده «عزت‌الملوک کاووسی» با نام «طبیبان قدسی» از سوی انتشارات سازمان بسیج جامعه پزشکی به چاپ رسیده و جعفر گلشن روغنی و افسانه لک، زندگینامه این شهیده و خاطرات پزشکان از کاووسی را گردآوری کرده‌اند.

خون شهدا آب قنات را گلگون می‌کند



با فاصله اندکی از وقایع انقلاب، این محله شاهد اتفاقات و رشادت‌های دیگری بود. بانوان این محل کنار نهری که از قنات مجیدیه جاری می‌شد، تشت‌های خود را پر آب می‌کردند و لباس خونین رزمنده‌ها را می‌شستند. پری خانم با داشتن ۶ بچه قد و نیم قد با کمک خانم‌های محل کاری کردند کارستان. خودش می‌گوید: «خدا رحمت کند حاج آقا را، دائم در جبهه بود. هر روز صبح زود بعد از اینکه صبحانه بچه‌ها را می‌دادم، بچه‌ها را می‌سپردم به دختر بزرگم و خودم با خانم‌های همسایه راه می‌افتادیم سمت قنات. سر ساعت معین، اتوبوس می‌آمد و از همه محله‌ها خانم‌ها را جمع می‌کرد و می‌برد باغ مجیدیه. با رسیدن کامیون لباس‌ها از مناطق جنگی، همه را خالی می‌کردیم. به شکل یک تپه بزرگ در می‌آمد. بعد از تقسیم کار، عده زیادی شروع به شستن می‌کردند تا لباس‌ها زودتر خشک و آماده ارسال به جبهه شود. از درخت‌های قطور به عنوان طناب برای پهن کردن و خشک شدن لباس‌ها استفاده می‌کردیم. آن روزها برای ما خشکی معنا نداشت. وقتی ظهر کارمان تمام می‌شد تازه به خانه می‌رسیدیم و لباس گرم مثل دستکش، کلاه و شال گردن برای رزمندگان می‌بافتیم.»

حاجیه خانم «پری بهاران» از بانوان فعال انقلابی و دفاع مقدس محله مجیدیه است که نقش تأثیرگذاری در دوران انقلاب و دفاع مقدس داشت. او درباره فعالیت‌های انقلابی خود در محله مجیدیه می‌گوید: «همسایه دیوار به دیوار ما اهل نهلوند و از طرفداران امام خمینی (ره) بود. به همین خاطر اعلامیه‌های انقلاب را برای من آورد تا از دست مأموران ساواک در خانه‌مان مخفی کنم. بعد از مدتی آنها از ترس دستگیری، مجبور شدند به شهرستان‌شان بروند و کلید خانه‌شان را به من دادند. مقدار زیادی بنزین در حیاط این خانه انبار کردم. از همسایه‌ها پارچه و شیشه جمع‌آوری و با کمک آنها کوکتل مولوتف درست می‌کردیم و به دست جوانان محله می‌رساندیم. کوچه‌های محله مجیدیه سنگربندی شده بود و در مسجد قمر بنی‌هاشم (ع) حجت‌الاسلام کریمیان سخنرانی انقلابی می‌کرد. مردم تا صبح ۲۲ بهمن در خیابان ماندند و مقابل کلانتری

نام: پری بهاران
موقعیت: باغ مجیدیه